

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

عذرا نصیری افرابی*

دکتر محمدرضا زمان‌احمدی**

بهناز علی‌میرزایی***

چکیده

برجسته‌سازی از زیرشاخه‌های نقد فرمالیستی است که در آن نقدهایی که با ادبی‌بودن یک متن مرتبط است مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این نظریه شاعران و نویسندگان در آثار خویش برای جلوگیری از تکرار و یکنواختی ملال‌آور، دست به خلاقیت می‌زنند و با هنجارگریزی‌ها، قاعده‌کاهی‌ها و یا قاعده‌افزایی‌هایی که در سطح زبان انجام می‌دهند، سطح زبانی کلام را از حالت رکود خارج می‌سازند. از آنجا که حسین منزوی در عرصه غزل، ابتکارات بسیاری در زمینه شعر دارد، در این جستار سعی شده است به بررسی برجسته‌سازی‌های وی در زمینه نحو و واژگان پرداخته شود. هدف از این نوشتار که به روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده، دست یافتن به عواملی است که سبب برجسته شدن نحوی و واژگانی این شاعر شده است. حاصل بررسی‌ها گویای این است که حسین منزوی از طریق قاعده‌کاهی و یا قاعده‌افزایی اشعارش را برجسته نموده است، که این برجسته‌سازی همه سطوح زبان اشعار وی را در بر گرفته است و مهم‌ترین راز موفقیت شاعر در برجسته‌سازی ترکیب دو شیوه سنتی و نو بوده است.

واژه‌های کلیدی

برجسته‌سازی، زبان شعری، هنجارگریزی، قاعده‌افزایی، غزل معاصر.

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک. (نویسنده مسؤول)

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، گروه زبان و ادبیات فارسی، اراک، ایران.

*** دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و دبیر آموزش و پرورش استان همدان.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۱

«برجسته‌سازی» شعر شگرد مورد توجه فرمالیست‌هاست و آن «عبارت است از به کارگیری عناصر زبان به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند و غیرمتعارف باشد. برجسته‌سازی انحراف از زبان معیار است؛ هنگامی که یک عنصر زبانی برخلاف معمول به کار می‌رود و توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند. موکارفسکی برجسته‌سازی را فرایندی آگاهانه می‌داند و معتقد است که هر اندازه فرایندی آگاهانه‌تر به کار گرفته شود، از خودکاری کمتری برخوردار است... در فرآیند برجسته‌سازی باید عواملی چون انسجام، نظام‌مندی، رسانگی، انگیزش و زیباشناسی مورد توجه قرار گیرند که البته از بین این عوامل دو اصل «رسانگی» و «زیباشناسی» اهمیت بیشتری دارند.» (صفوی، ۱۳۹۰: ج ۲/۳۵-۳۲).

شفیعی‌کدکنی هنگام بحث در باره برجسته‌سازی اشاره می‌کند که انواع برجسته‌سازی را می‌توان در دو گروه موسیقایی و زبانی تبیین کرد (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۴: ۷) و گروه موسیقایی را مجموعه عواملی می‌داند که عواملی چون وزن، قافیه، ردیف و هماهنگی‌های آوایی را به دست می‌دهد. به اعتقاد او گروه زبانی مجموعه عواملی است که به اعتبار تمایز نفس واژگان در نظام جملات می‌تواند موجب برجسته‌سازی شود. او در این مورد عواملی چون استعاره، مجاز، ایجاز و جز آن را بر می‌شمارد. دیدگاه شفیعی‌کدکنی همان است که لیچ با اندک تفاوت به دست می‌دهد. لیچ آنچه را که شفیعی‌کدکنی در چارچوب گروه موسیقایی مطرح می‌سازد در مقوله‌ای کلی و تحت عنوان توازن به دست داده است و گروه زبانی را از طریق انواع هنجارگریزی‌ها قابل تبیین می‌داند.

برجسته‌سازی از روش‌های تشخیص‌بخشی در آفرینش هنری است و موجب خلق آثار بزرگ و ابداع سبک‌های شخصی می‌گردد و میزان گرایش خواننده به متن را می‌افزاید. یکی از شعرای بزرگ معاصر، حسین منزوی است، که خلاقیت و ابداع را به وضوح در آثارش می‌توان مشاهده کرد و از مشخصه‌های اشعارش، نوآوری در زبان و شیوه بیان متفاوت است. حسین منزوی شاعر توانای معاصر دو شیوه سنتی و نو را با هم ترکیب نموده است و این کار وی

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر ۳۱۱

دارای ارزش و اهمیت بسیار است. برجسته‌سازی و نوآوری‌های حسین منزوی در سطوح مختلف شعر او پیداست؛ سطح زبانی، موسیقی، بلاغی و نحوی که بیشتر نوآوری‌ها در سطح زبان شعر است. نوآوری‌های او به سبک نیما انجام گرفته است و خود او بارها به این موضوع اشاره کرده است و به یقین می‌توان گفت: حسین منزوی از معدود شاعرانی است که با برجسته‌نمودن اشعار خود حیاتی تازه به غزل بخشید. از این رو در این پژوهش برجسته‌سازی‌های وی در دو بخش نحوی و واژگانی اشعارش بررسی می‌شود تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

برجسته‌سازی‌های حسین منزوی در سطح نحو چه زمینه‌هایی را در بر گرفته است؟

او از چه شیوه‌هایی در برجسته‌سازی‌های واژگانی سود جسته است؟

پیشینه تحقیق

در زمینه نوآوری‌های نحوی و دستوری در شعر حسین منزوی پژوهش جداگانه‌ای انجام نشده است؛ اما به برخی از پژوهش‌های انجام شده در باره این شاعر گرانمایه اشاره می‌شود: جواد طاهری و سمیه سلیمان (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «نوآوری‌های حسین منزوی در غزل» به بررسی نوآوری‌ها و ویژگی‌های خاص اشعار او پرداخته است، نوآوری‌هایی که سبب تمایز غزل او با غزل‌سرایان سنتی و پیدایش شیوه‌ای تازه در غزل شده است. فاطمه معین‌الدینی با همکاری سمیه سلیمانی (۱۳۹۰) در مقاله «هنجارگریزی در شعر حسین منزوی»، گونه‌های مختلف هنجارگریزی را مورد کاوش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تمامی گونه‌های هنجارگریزی آوایی، گویشی، زبانی و سبکی و نوشتاری در اشعار حسین منزوی وجود دارد. فاطمه مدرس و رقیه کاظم‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «تکرار واژه از شگردهای برجسته‌سازی در غزل حسین منزوی» تکرار واژگان را در غزل منزوی بررسی نموده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که حسین منزوی از شگردهای مختلف تکرار در سطح واژه، گروه و جمله، برای تشخیص بخشیدن به زبان غزل خود بهره برده

❏❏❏ برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

است و این تکرار آگاهانه باعث افزایش موسیقی کلام و القای معنی مورد نظرش به خواننده شده است.

نگاهی به زندگی و جایگاه منزوی در ادبیات معاصر

منزوی در مهرماه ۱۳۲۵ در زنجان در خانواده‌ای شاعر و ادب‌دوست زاده شد. تحصیلات دوره ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند و از دبیرستان صدرجهان دیپلم ادبی خود را گرفت (نیرومند، ۱۳۴۷: ۱۴۰) و وارد دانشکده ادبیات تهران شد. او بنا بر شرایط روحی خود این رشته را رها کرد پس از گذشت بیش از ده سال مجدداً به تحصیل روی آورد و در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ مدرک لیسانس گردید (کاخی، ۱۳۷۰: ۳۸۴). منزوی به سرعت خود را در محافل ادبی مطرح کرد. کریم نیرومند در کتاب «سخنوران و خطاطان زنجان ۱۳۴۴» علاوه بر این که منزوی را در سرودن اشعار در بین اقران خویش ممتاز دانسته، به این موضوع اشاره کرده که «وی تخلص «رها» را برای خود برگزیده است؛ اما چنین تخلصی در هیچ کدام از اشعار وی مشاهده نمی‌شود. ضمن این که منزوی در پانوشت یکی از غزلیات خود که در آن از تخلص «منزوی» سود برده، می‌نویسد: «این اولین و آخرین غزلی است که من تخلص کرده‌ام» (منزوی، ۱۳۹۱: ۳۱۰). وی به سبب روحیه خاصی که داشت هرگز به شغلی ثابت روی نیاورد؛ ولی مسئولیت صفحه شعری «مجله رودکی» و «مجله سروش»، اجرای برنامه «یک شعر و یک شاعر» در رادیو، مجری‌گری برنامه «گروه ادب امروز» را تجربه کرد (ر.ک. نیرومند، ۱۳۴۷: ۳۳۱). منزوی آثاری در زمینه نشر، نظم و ترجمه قلم زده است:

آثار منشور: این ترک پارسی‌گوی، دیدار در متن یک شعر، مقلّمه بر دو مجموعه شعر «آتش در نزار» و «مه در محاق».

آثار منظوم: از ترمه و تغزل، از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها، از شوکران و شکر، از کهربا و کافور، این کاغذین جامه، با سیاوش از آتش، با عشق تاب می‌آوریم، با عشق در حوالی فاجعه، به همین سادگی، تیغ و ترمه و تغزل، حنجره زخمی تغزل، صفرخان، فانوس‌های آفتابی، هم‌چنان از عشق.

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر □□ ۵

ترجمه‌ها: تیغ زنگ زده و ترجمه منظومه ترکی «حیدربابا» اثر استاد محمد حسین شهریار. حسین منزوی در روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳ در سن ۵۸ سالگی بر اثر عارضه قلبی و بیماری ریوی برای همیشه دست جهان را فشرده و در زادبومش زنجان تشییع و به خاک سپرده شد (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۴).

حسین منزوی با نگاه به شعر سنتی فارسی و ایجاد تحول تدریجی در نوع دید و نگرش خود و روی آوردن به فضاهای تازه توانست هم از لحاظ زبانی و واژگانی و هم از لحاظ محتوایی به غزل معاصر روحی تازه بدمد. شعر سنت‌گرای معاصر توجه خاصی به سطح آوایی، واژگانی و نحوی زبان دارد، هم چنین به قالب غزل توجه فراوان دارد. منزوی که بخشی از نظریات خویش را در مقدمه «از شوکران و شکر» بازگو کرده است که «نیما دریچه‌ای دیگر به روی شعر فارسی گشود و گرچه این دریچه در لحظه‌ای گشوده شد که شعر فارسی به راستی خنّاق گرفته بود، اما این هرگز به آن معنی نبود که باید همه دریچه‌های دیگر بسته شود... گمان نکنید که من توانایی همه قالب‌های سنتی را، در یآوری شایسته شعر شهادت می‌دهم، قصیده حسابش پاک است، مسمط و ترکیب‌بند و... هم حسابشان از خیلی پیشترها پاک بود. می‌ماند غزل و مثنوی که به نظر من هنوز هم می‌شود از این قالب‌ها در شعر استفاده کرد و موفق هم بود و در میان این دو نیز غزل خود را بیشتر لایق نشان می‌دهد. غزل سابقه‌اش، پشتوانه‌اش و کارایی‌اش و خیلی چیزهای دیگرش آن را از سایر قالب شعر سنتی متفاوت می‌کند.» (منزوی، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸). این قالب کلاسیک که غزل است از سوی غزل‌سرایان عصر ما با تغییر و تحولات بیرونی و درونی به حیات خود ادامه می‌دهد. سهم حسین منزوی شامل ابتکارات و ابداعاتی است که وی در حوزه آوایی، بلاغت، نحو و... غزل انجام داده می‌شود. بیشترین ابتکار وی در حوزه موسیقی خواه در وزن و عروض و قافیه صورت گرفته است. تنوع در به کارگیری اوزان عروضی به این شاعر بزرگ جایگاهی ممتاز بخشیده است. پورچافی در این باره می‌گوید: «بهره‌گیری از برخی اوزان که در شعر سنتی یا اصلاً به کار نرفته یا به ندرت از آن‌ها استفاده شده است، در این زمینه باید از کوشش شاعرانی

۶۶ برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

چون حسین منزوی و محمدعلی بهمنی یاد کرد که با مهارت‌های خاصی، بسیاری از اوزان جدید یا کم استعمال را به زیبایی و بدون آنکه غرابت چندانی از آن‌ها احساس شود در اشعار خویش به کار گرفته‌اند.» (حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۶۷). بررسی غزل معاصر که با عنوان سنت‌گرایی همراه است و در عین حال زبانی نو دارد در عرصه شعر منزوی نسبت دیده می‌شود. غزل منزوی زبانی کلاسیک با خود به همراه دارد. زبان غزل منزوی در زمینه‌گزینش واژگان کهنه و نو، و سطح نحوی و دستوری آن بسیار محکم و استوار است. توانایی‌های زبانی غزل او که با مضمون‌هایی مثل ستایش عشق، آن هم به صورت مکرر همراه است از ویژگی‌های سبکی و خاص اوست.

بررسی سطح نحوی برجسته‌سازی‌های منزوی

در سطح نحوی نخستین مسأله و کارکردی که از نوع زبان باید بررسی شود، نظم و ترتیب آرایش کلمات در جملات یعنی انواع گروه‌های قیدی، اسم، وصفی و فعلی بررسی می‌شود. منزوی غزل یک‌دست و ساده از نگاه دستور زبان ندارد، بلکه در بررسی غزل منزوی، به این نکته پی می‌بریم که وی از هنجارگریزی در قواعد دستور زبان، بهره می‌گیرد. قید را به گونه‌ای دیگر استفاده می‌کند، نظم ارکان جمله را بر هم می‌زند و از افعال و واژگان کهن در غزل نو استفاده می‌کند که با نمونه‌های بسیار این‌گونه کارکرد زبان در شعر بزرگانی چون نیما، اخوان، شاملو، سپهری و... دیده شده است. «برخلاف تقید شاعران کهن به قواعد دستور زبان، شاعران نوپرداز، با حفظ دو اصل رسایی و زیبایی، گاه در ساختمان دستور زبان دخالت می‌کنند و بدین گونه ظرفیت‌های کلامی تازه‌ای می‌آفرینند.» (روزبه، ۱۳۸۱: ۲۸). «شاعر می‌تواند در شعر خود با جابه‌جا کردن عناصر سازنده جمله از قواعد نحوی زبان هنجار، گریز بزند و زبان خود را از زبان هنجار متمایز سازد.» (صفوی، ۱۳۹۰: ج ۱ / ۶۴). یک شاعر برجسته زمانی که می‌بیند کلمات و واژگان پاسخگوی نیاز او نیست و ضرورت نوآوری را در اشعارش احساس می‌کند، باید این توانایی و استقلال را داشته باشد که دست به ابتکار بزند و خلاقیت نشان بدهد و واژگان

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر ۷

جدیدی را وارد شعرش نماید. این ابتکارات به صورت‌های مختلفی انجام می‌شود. از جمله: «استفاده از واژه‌های قدیمی و افعال قدیمی؛ آفرینش فعل‌ها و ترکیب‌های تازه؛ جابه‌جایی ضمیر و فاصله انداختن میان موصوف و صفت؛ انحراف صفت (اسناد صفت به مضاف به جای موصوف)؛ حذف «ی» از میان برخی حروف ربط مرکب؛ ترکیب‌های وصفی و اضافی تازه» (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳). لازمه نوآوری نحوی اشعار، تغییراتی است که نسبت به قواعد و سنت‌های دستوری کهن، پدید می‌آید و نشان‌دهنده قدرت و مهارت شاعر و ویژگی‌های آثار ادبی بزرگ است. در این قسمت نوآوری‌های حسین منزوی بررسی می‌شود:

حرف

یکی از نوآوری‌های منزوی در حوزه حروف است. یکی از انواع کلمه حرف است که به تنهایی معنا ندارد و با پیوستن به کلمه دیگر معنا پیدا می‌کند. منزوی از حروف به چند شکل در نوآوری استفاده می‌کند.

حرف‌گرایی

شمیسا در در تعریف آن می‌گوید: «تشبیه و شکل و موقعیت حروف الفبا را حرف‌گرایی نامیده‌اند. این آرایه در اشعار شاعران گذشته نیز مورد توجه بوده است؛ اما در بدیع سنتی نامی ندارد (شمیسا، ۱۳۸۴: ۸۳).

حسین منزوی گاهی حروف الفبا را در خدمت می‌گیرد که میزان استفاده از آن اندک است. زنی که آمدنش مثل «آ»ی آمدنش رهایی نفس از حبس‌های ممتد بود (منزوی، ۱۳۹۱: ۴۵۰)

که در بیت بالا حرف «آ» نوعی حرف‌گرایی است.

هم‌چنین دو حرف «واو» و «دال» در بیت زیر:

می‌گنم الفبا را روی لوحه سنگی واو مثل ویرانی، دال مثل دلتنگی

(همان، ۴۶۱)

۸۸ برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

به کارگرفتن حروف برای ایجاز

مثلاً در نمونهٔ زیر از واو حالیه در مصرع دوم برای ایجاز و کوتاه کردن جمله استفاده نموده است.

دردا که هدر دادیم، آن ذات گرامی را تیغیم و نمی‌یُریم، ابریم و نمی‌باریم
(همان، ۲۷)

واژگان

منزوی به نقش اساسی واژگان در تعیین ویژگی‌های ساختاری جمله، آگاه بوده و این آگاهی در نوآوری‌هایی که در واژگان به کار برده، به وضوح دیده می‌شود.

باستان‌گرایی

گاهی اوقات شاعران واژگانی کهن را در شعر وارد می‌کنند و توجه خواننده را به خود جلب می‌کنند. به این کار باستان‌گرایی یا آرکائیسیم می‌گویند. آرکائیسیم در واقع هنجارگریزی زمانی است.

حسین منزوی از این مسأله آگاه است که می‌تواند با به‌کار بردن واژگانی که در زمان شاعر در زبان متداول نیست و مربوط به گذشتهٔ اوست، سبب جلب توجه خواننده شود. هم‌چون «که‌ت» و «که‌ش» در ابیات زیر:

نام تو بود بر لب انسان که می‌گذشت که‌ت دریه در صدا زد و خانه به خانه گفت
(همان، ۱۲۱)

قطرهٔ بارنده که‌ش، توفنده دریا می‌خورد؟ ذرهٔ چرخنده که‌ش، خورشید رخشا می‌برد؟
(همان، ۱۳۷)

حسین منزوی توانسته است با آوردن واژه‌های آرکائیک دست به نوآوری و برجسته‌سازی بزند.

قید کلمه‌ای است که توضیحی در باره فعل می‌دهد و مفهوم زمان، مکان، مقدار، چگونگی، یا مفهومی جز آن را می‌رساند. کاربرد نوعی تازه از قید، از دیگر هنجار شکنی‌های دستور زبانی در غزل منزوی است. او با قید «همیشه» بیش‌تر از دیگر قیده‌ها هنرنمایی می‌کند. شاعر در مصراع زیر به جای این که بگوید: مشام همیشه شمیم زلف تو است، می‌گوید: «همیشه‌های مشام» و این گونه واج آرایی ایجاد می‌کند.

همیشه‌های مشام شمیم زلف تو است تو با منی و نیازی به بوی پیرهن نیست

(منزوی، ۱۳۹۱: ۴۴)

نمونه دیگر «تا» تحذیر است که باید قبل از فعل نهی بیاید ولی در بیت زیر پس از آن ذکر شده است:

بگو در سایه‌سارم دوست یا دشمن بیاسایند نگوئی تا که از ایثار خود امساک دارم من

(همان، ۱۸۱)

صفت

در این بخش نوآوری منزوی در جا به جایی صفت می‌باشد که به دو شکل انجام می‌شود: الف) مضاف‌الیه میان موصوف و صفت قرار می‌گیرد:

به شب که آینه غریب مکلر من به شب که نیمه تنهایی سیاه من است

(همان، ۱۰۴)

ب) تقدیم صفت بر موصوف با گرفتن کسره اضافه:

طبق قواعد دستوری، صفت بعد از موصوف می‌آید؛ اما منزوی در غزل‌های خود دست به نوآوری زده و با افزودن کسره اضافه صفت را بر موصوف مقلّم نموده است. «بیکرانِ کویر» نمونه‌ای از این نوآوری به شمار می‌رود.

من آن بیکرانِ کویرم که در من نیفشانده جز دست اندوه، دانه

(همان، ۱۳۴)

۱۰۰ برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

ج) افزودن پسوند «تر» به صفت عالی:

صفت برترین یا عالی با افزودن «ترین» به صفت ساده ساخته می‌شود. منزوی در این زمینه دست به ابداع می‌زند و «تر» را که پسوند صفت برتر است به انتهای صفت برترین می‌افزاید و بدین ترتیب آن صفت را برجسته‌تر می‌کند. مانند «زیباترین‌تر» در شاهد مثال زیر:

ای بهترین تمثیل از افعال التفضیل زیباترین‌ها را زیباترین‌تر تو

(همان، ۱۹۵)

د) افزودن پسوند «ترین» به پایان قید و اسم

البته منزوی از این پسوند صفت ساز به ویژه پسوند صفت برترین نوآوری‌های دیگری هم انجام داده است. او این پسوند را بر خلاف قاعده نحوی به آخر قید و اسم هم اضافه نموده است. هم‌چون:

توکس‌ترین کسان و به ناچار گام‌ها با ناکسان به رفیق و مدارا زده رفیق!

(همان، ۱۱۱)

در بیت بالا واژه کس اسم است که پسوند «ترین» به آن اضافه شده است.

تصویر تو همیشه‌ترین بود بانوی شعرهای مه‌آلود

(همان، ۱۳)

در این نمونه همیشه قید است که پسوند صفت ساز «ترین» بدان افزوده شده است.

جمله‌بندی

نوآوری‌های حسین منزوی در نحو و ساخت جملات، جا به جایی اجزایی جمله بر خلاف عرف و عادت و غیر معمول است. «به هم ریختن بافت نحوی به شرط رسانگی و زیبایی، می‌تواند خود آشنایی زدایی محسوب شود.» (کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

فعل

باستان‌گرایی

باستان‌گرایی و آرکائیسیم یکی دیگر از انواع نوآوری در زمینهٔ افعال است. حسین منزوی گاه افعال کهن را در سرودن اشعار به کار برده و نوعی هنجارگریزی زمانی انجام داده است. مانند:

«ندانند» به معنی نتواند و «ستردن» در بیت زیر:

تو آن تصویر جاویدی که مرگ جادویی ندانند نقشست از لوح ضمیر من ستردن را

(منزوی، ۱۳۹۱: ۱۵۲)

«موئیدن» در بیت زیر:

برگ‌ها زبان گشتند بر درخت و موئیدند! آه! روح جنگل را، پیش چشم ما گشتند

(همان، ۴۹۲)

با تو رازی است که می‌کاهدت، اینک این من رازدار تو! بگو، من نه کم از یک چاهم

(همان، ۴۸۷)

فعل «کاستن» در بیت بالا.

تکرار فعل

دیگر موارد تکرار فعل است مانند تکرار فعل «لب نگزیدن» در نمونهٔ زیر:

چه کس کشید ز تو دست و سر نکوفت به سنگ؟ چه کس لب نگزید و به غبن لب نگزید؟

(همان، ۳۹۶)

وارد کردن افعال عامیانه در غزل

از دیگر نوآوری‌های منزوی در فعل وارد کردن افعال عامیانه در غزل است مانند فعل «شتک زدن» و «گر گرفتن» در ابیات زیر:

۱۲. برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

از خاک بر جبینت خورشیدها شتک زد آن دم که داد ظلمت فرمان تیرباران
(منزوی، ۱۳۹۱: ۸۷)

به سرمای زمستان نیز گُر می‌گیرم از مستی که شولاها به تن از پیچه‌های تاک دارم من
(همان، ۲۵۲)

به کار بردن عبارات فعلی

عبارت فعلی به نوعی از فعل می‌گویند که حداقل از سه بخش تشکیل شده و همه با هم معنای واحدی می‌دهند. یکی از موارد نوآوری حسین منزوی در دستور عبارت‌های فعلی است. این عبارت‌های فعلی بیشتر جنبه کنایی دارد. نمونه‌ای از این نوآوری‌ها:

«به فراموشی سپردن» در بیت زیر نمونه‌ای دیگر از کاربرد عبارت فعلی است:

نمی‌شود به فراموشی‌ات سپرد و گذشت چنان که یباد تو زود آشنا و هر جایی
(همان، ۲۵)

گریه‌ام را می‌خورم؛ زیرا که می‌ترسم ز باران مثل برجی خسته، برجی رو به ویرانی نهاده
(همان، ۷۳)

«گریه خود را خوردن» در بیت بالا:

هم‌چنین است «سر در لاک داشتن» در نمونه زیر:

زمستان چله خلوت‌نشینی با گل برف است نپنداری که بی‌حکمت سری در لاک دارم من
(همان، ۲۵۲)

به کاربردن جملات معترضه و بدل

مهم‌ترین و پرکاربردترین نوآوری منزوی در قسمت نحو، به کار بردن جملات معترضه و بدل است که اطناب و حشو محسوب می‌شود. معمولاً جملات معترضه و بدل به گونه‌ای هستند که اگر حذف شوند به معنای جمله آسیبی نمی‌رسد؛ ولی این جملات در اشعار منزوی به گونه‌ای هستند که اگر حذف شوند، معنی جمله با مشکل مواجه می‌شود. مثلاً جمله معترضه

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر ۱۳۱۱

در مثال‌های زیر:

کلمه - گرفتم این که خدا بود یا نبود - با چشم‌متان - امیر دل‌های غارتی -
من از تو اصل تو را برگزیده‌ام که همیشه - من از دم تو روح دمیدم کلام را

(همان، ۳۹۹)

همیشه راه دل از تن جداست در سفر جان - دلت مراست - تو خود گفته‌ای - اگر بدنت نیست

(همان، ۵۱۶)

نکته‌ای که در اینجا به چشم می‌خورد این است که اگر جملات معترضه «گرفتم این که خدا بود یا نبود» و «تو خود گفته‌ای» و بدل «امیر دل‌های غارتی» را از نمونه‌های بالا حذف کنیم، جملات، نا مفهوم و ناقص می‌شوند.

البته لازم به ذکر است که آوردن جملات معترضه سبب طولانی شدن بیهوده جمله‌ها و پیچیده و ناهموار شدن گفتار حسین منزوی شده است.

تکرار

از دیگر نوآوری‌های منزوی در سطح جملات تکرار است. مانند «تو خواهی آمد» و «با تو خواهد بود» در ابیات زیر:

تو خواهی آمد و آواز با تو خواهد بود - پرنده و پر پرواز با تو خواهد بود
تو خواهی آمد و چونان که پیش از این بوده - کلید قفل فلک، باز با تو خواهد بود
برای دادن عمر دوباره‌ای به دلم - تو خواهی آمد و اعجاز با تو خواهد بود

(همان، ۱۳۳)

هم‌چنین است «نشکنی ای کوزه سفالی عاشق»

نشکنی ای کوزه سفالی عاشق! - شیشه عمر منی، نه آینه دق
تا که به چشمش کشی مرا و بمانی - نشکنی ای کوزه سفالی عاشق!

(همان، ۴۵۷)

بررسی سطح واژگانی برجسته‌سازی‌های منزوی

واژگان

واژگان رایج و غیر رایج

شاعران امروز با به کارگیری واژه‌هایی که تا پیش از دوره معاصر اجازه ورود به ساحت شعر را نداشتند و نیز با استفاده از واژه‌های تازه‌ای که در زبان روزمره امروز به کار می‌رود، در کنار واژه‌های گذشته، به گسترش و توسعه زبان شعر کمک می‌کنند» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). منزوی در غزلیات خود به فراوانی از واژگان امروزی استفاده کرده است. «یکی از خصوصیات غزل نو، حرکت به سمت سلامت زبان و انطباق بافت حوزه استعمال امروزی واژگان بود که البته این حرکت در غزل پس از انقلاب، صورتی جدی و بنیادی یافت و بالنسبه به سامان رسید» (روزبه، ۱۳۷۸: ۱۴۱). از مهم‌ترین عوامل تفاوت غزل منزوی با غزل غزل‌سرایان سنتی، گرایش وی به استفاده بیشتر از واژگان رایج در زبان امروز است. نمونه این واژگان در مجموعه اشعار منزوی:

شود تا ظلمتم از بازی چشمت چراغانی مرا درباب، ای خورشید در چشم تو نورانی

(منزوی، ۱۳۹۱: ۲۱)

شرممان باد که تا ساعت آن واقعه نیز چشم ما دوخته بر ساعت دیواری بود

(همان، ۱۰۹)

هم‌چنین واژگانی مانند: قلم (۲۱)، کابین (۳۱)، پیراهن (۴۵)، آینه (۵۵)، کتاب (۳۵)، خیابان (۶۸)، خاشاک (۱۰۲)، گوشواره (۱۰۳)، بختک (۱۰۹)، زورق (۱۸۱)، کشتی (۱۳۱)، چکاوک (۲۲۳) و ...

حسین منزوی در اشعار خود از لغات و اصطلاحات عامیانه بهره بسیار گرفته است و به نظر نگارنده با این کار ارتباط صمیمانه و دوستانه‌ای با مخاطب برقرار نموده است. البته این کار در حوزه زبان به نوعی هنجارشکنی محسوب می‌شود؛ زیرا در شعر شاعران کلاسیک به

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر ۱۵۱۱

ندرت با لغات و اصطلاحات عامیانه مواجه می‌شویم. حسین منزوی با آوردن زبان محاوره در شعر هنجار را شکسته و دست به نوآوری زده است.

در کجای این دلتنگ می‌دهید پروازم پرسه‌های عصرانه! ای مدارتان مسدود

(منزوی، ۱۳۹۱: ۶۹)

چشمتو واکن که سحر، تو چشمتو بیدار بشه صدام بزن که از صدات باغ دلم باهار بشه

(همان، ۴۵۱)

حسین منزوی غزل‌های شماره ۲۱، ۱۷۱، ۲۶۰ و ۳۴۷ را به زبان عامیانه سروده است. گاهی با مطالعه اشعار منزوی به واژگانی برخورد می‌کنیم که نارایج و نامأنوسند. هم‌چون نمونه‌های زیر:

افیون زده رنجم و تلخ است مذاقم با بوسه‌ای از آن لب شیرین، شکرم کن

(غزل ۸۴)

زان بیهشی سنگین، و آن خواب غبارآگین هشیارم و بیدارم، این بار که می‌آیم

(غزل ۱۴۲)

غم تو چیست که گویی پرچه‌ای غمگین تمامی غم خود را در این ترانه گریست

(غزل ۴۳)

البته پرچه مخفف پرچهره است. در این بیت حسین منزوی با کاستن از واژه پرچهره و تبدیل آن به پرچه دست به قاعده‌گاهی زده است. با بررسی غزل‌های حسین منزوی، این نتیجه حاصل شد که ۹۷ درصد از واژگان مورد استفاده منزوی در غزل‌ها رایج و ۳ درصد نارایجند. در نهایت می‌توان گفت: حسین منزوی به استفاده از واژگان رایج تمایل بیشتری نشان داده و تعداد واژگان نارایج در اشعارش بسیار اندک است.

واژگان آرکائیک

گاهی اوقات شاعران واژگانی را وارد شعر می‌کنند و توجه خواننده را به خود جلب

۱۶ برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر

می‌کنند. به این کار باستان‌گرایی یا آرکائیسیم می‌گویند. آرکائیسیم در واقع هنجارگریزی زمانی است که کنایه و ضرب‌المثل‌های عامیانه را وارد غزل معاصر می‌کند. این از خصایص زبانی منزوی محسوب می‌شود. منزوی معتقد است که غزل معاصر باید واژگان نو و حتی طرد شده را در کنار هم وارد عرصه شعر کند. حسین منزوی از این مسأله آگاه است که می‌تواند با به کار بردن واژگانی که در زمان شاعر در زبان متداول نیست و مربوط به گذشته اوست، سبب جلب توجه خواننده شود. و اما نمونه‌های واژگان کهن در آثار منزوی:

انگار عاشقانه‌ترین خاطرات من همراه با تو مویه‌کنان گریه می‌کنند

(منزوی، ۱۳۹۱: ۲۹۱)

بارت که فلک نیز نیارست کشیدن من می‌برم ای عشق سبک بار به خانه

(همان، ۸۵)

آرام نمی‌یارد، گویی غم من دارد آن باد که می‌زارد، در تنگی دالان‌ها

(همان، ۱۰۶)

اسب سیمین نعل زرین یال من کو؟ آن که صد خورشید روی گُرده دارد

(همان، ۴۸۳)

ایران من لختی بمان تا باز پیچد در گوشت آواز بلند سر به داران

(همان، ۴۸۹)

واژه «لختی» در نمونه اخیر در معنای اندکی کاربرد کهن دارند.

با توجه به نمونه‌های ذکر شده می‌توان گفت حسین منزوی با واژه‌های کهن آشنا بوده است و می‌دانسته که آوردن واژه‌های کهن در شعر و در کنار واژگان معاصر زیبایی و جذابیت خاصی به اشعار او می‌بخشد. هم‌چنین باید گفت میزان این واژگان در اشعار او بسیار است. آوردن واژه‌های آرکائیک نوعی هنجارگریزی است که در بخش زبان صورت می‌گیرد و حسین منزوی بدین طریق توانسته است دست به نوآوری و برجسته‌سازی بزند.

واژگان علم ریاضی

در اشعار حسین منزوی گاهی با واژه‌های علم ریاضی مواجه می‌شویم که تعداد آن بسیار کم است. واژه‌ها و اصطلاحاتی چون «منها»، «ضرب»، «حاصل جمع»، «بی‌عدد صفر»، «خط موازی» در نمونه‌های زیر:

من و تو چون دو خطیم، آری - موازیان به ناچاری

که هر دو باورمان ز آغاز، به یک‌دگر نرسیدن بود

(منزوی، ۱۳۹۱: ۳۱۳)

او در این بیت با تشبیهی زیبا نرسیدن خود به معشوق را بیان نموده است. به نظر او همان‌طور که دو خط موازی هیچ‌گاه به هم نمی‌رسند، و نیز به معشوقش نخواهد رسید.

شهر - منهای وقتی که هستی - حاصل برزخ خشک و خالی

جمع آینه‌ها ضرب در تو، بی‌عدد صفر، بعد از زلالی

حاصل جمع آب و تن تو، ضرب در وقت شستن تو

هر سه منهای پیراهن تو، برکه را کرده حالی به حالی!

(منزوی، ۱۳۹۱: ۴۸۵)

واژگان مرکب نو

یکی دیگر از نوآوری‌های حسین منزوی در بخش زبان استفاده از واژگان مرکب نو است. واژگانی که در دوره معاصر وارد زبان و ادب شده‌اند. حتی برخی از این واژه‌ها خاص حسین منزوی است و دیگران آن را به کار نبرده‌اند. به همین دلیل به کاربردن واژگان مرکب نو از نوآوری‌های زبانی منزوی محسوب می‌شود.

واژه‌های «خوش‌خیم»، «بدخیم» در بیت زیر:

بغض‌هایم - غده‌های شوخ سرطانیم - بی‌وقفه

بین خشم و چشم من خوش‌خیم یا بدخیم چرخیدند

(منزوی، ۱۳۹۱: ۴۳۸)

خوانــدن نــام بــغــضــوارۀ تــو آرزوی تــمــام حنــجــرهــها ســت

(همان، ۴۰۳)

دو چشم داشت - دو «سبز آبی» بلا تکلیف که بر دوراهی «دریا چمن» مردد بود

(همان، ۴۵۰)

چه جای من؟ که برای فریب یوسف نیز نگاه وسوسه‌پرداز، با تو خواهد بود

(همان، ۱۳۳)

وسوسه‌ریز (ص ۱۱۷)، گنگ دیده (ص ۱۳۵)، وسوسه بو (ص ۱۷۷)، غمناله (ص ۲۰۷)، همیشه‌وار (ص ۲۱۱)، دریا زاد (ص ۲۲۴)، نهنگانه (ص ۲۳۲)، جادوکار (ص ۲۴۱)، مرگ‌آباد (ص ۲۵۰)، لیلیانه (ص ۲۵۵)، نازک‌دلانه (ص ۲۶۳)، ظلمت‌شمار (ص ۳۶۰)، آذرخشانه (ص ۳۲۸)، خشماخون (ص ۴۴۹)، خمیده‌وار (ص ۴۹۹)، کویاکوی، جویاجوی و سویاسوی (ص ۶۲۷)، نمونه دیگر این واژگان هستند.

ترکیبات

ترکیبات نو

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان شعری حسین منزوی ترکیبات نو و جدیدی است که در اشعارش دیده می‌شود. این ترکیبات سبب توجه بیشتر خواننده می‌شود. نمونه‌هایی از این ترکیبات عبارتند از:

ترکیبات اضافی نو مانند بادبادک خورشید (۴۳۳)، چوب خط هفته (۴۶۵)، مرگ سکون (۱۴۲)، شیشه تغافل (۶۵۱)، دریاچه‌های خواب (۳۶) و ترکیبات وصفی نو هم‌چون باغ آهنی (۴۲۴)، خورشید پرتقالی (۲۱۲)، نبض آبی (۳۶) و ...

بسامد ترکیبات نو در شعر منزوی بسیار است؛ زیرا فردی شاعر اهل ذوق و در جستجوی ترکیبات نو و تازه است. وی در مقدمه دفتر غزل‌هایش به نام «از شوکران و شکر» می‌گوید:

برجسته‌سازی‌های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر ۱۹۱۱

«غزل امروز باید با کلماتی که از نظر استادان مطرود و غیر شاعرانه قلمداد شده‌اند، آشتی کند؛ یعنی همان کاری که شعر نیمایی کرده است. گیرم که این کلمه‌ها گاهی باعث ایجاد نوعی خشونت و ناهمواری در زبان بشوند. چه اشکالی دارد که زبان عاشقانه ما نیز خشن، ناهموار و حتی صیقل نخورده و نتراشیده باشد؟ مگر زندگی ما و عشق‌های ما چنین نیست؟» (منزوی، ۱۳۸۷: ۲۱). این دیدگاه سبب شده غزل‌های منزوی پر از ترکیباتی باشد که ساخته خود اوست و این گونه دست به برجسته‌سازی بزند.

ترکیبات سنتی

حسین منزوی در کنار استفاده از ترکیبات نو، از ترکیبات سنتی نیز سود برده است. او به خوبی از این مسأله آگاه بوده است که وجود ترکیبات نو و سنت در کنار هم به برجسته شدن اشعار و زیباتر شدن آن کمک می‌کند. ترکیباتی چون «سر گیسو» و «بادگساری» در بیت زیر:

تا نسیم سرگیسوی شلالت ساقی است باد بگذار، که از بادگساری مستم

(منزوی، ۱۳۹۱: ۲۹۷)

منزوی در این بیت از ترکیبات سنتی نیز دست به قاعده‌کاهی می‌زند. او با کاستن یک حرف از واژه سنت بادگساری و تبدیل آن به بادگساری دست به قاعده‌کاهی زد و به شعرش برجستگی بخشید. از دیگر ترکیبات سنتی در شعر حسین منزوی می‌توان به ستاره دنباله‌دار (ص ۶۰)، شریک دزد و یار قافله (ص ۱۵۷)، و نیمه جان (ص ۴۸۹). البته باید گفت نسبت ترکیبات کهن در شعر منزوی کمتر از ترکیبات نو است.

نتیجه

در این نوشتار نوآوری‌های نحوی و واژگانی اشعار حسین منزوی بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد:

حرف‌گرایی با کاربرد اندک و به کارگرفتن حروف برای ایجاز، از نوآوری‌های منزوی در بخش حروف است. منزوی با وارد کردن واژگان کهن (باستان‌گرایی) و کم‌کردن و تخفیف در بخش واژگان دست به ابداع زده است. او با قید «همیشه» هنرنمایی‌های خلاقانه‌ای می‌نماید. در زمینه صفت نوآوری‌های زیبایی دارد و آن‌جا به جایی صفت می‌باشد به دو شکل؛ یکی قرار دادن مضاف‌الیه میان موصوف و صفت و دیگری مقدم کردن صفت بر موصوف با افزودن کسره اضافه. هم‌چنین افزودن پسوند «تر» به صفت عالی و پسوند «ترین» به پایان قید و اسم. حسین منزوی در ساخت جملات و جا به جایی اجزای جمله عرف را بر هم می‌زند. او با باستان‌گرایی، جدا کردن نه از فعل نفی، تکرار افعال، وارد کردن افعال عامیانه در شعر و به‌کار بردن عبارت‌های فعلی که بیشتر جنبه کنایی دارند دست به ابداعات فعلی می‌زند. هم‌چنین جملات معترضه در اشعار منزوی با دیگر موارد متفاوت است؛ زیرا اگر حذف شوند، معنای جمله دچار اختلال می‌شود. تکرار در اشعارش منزوی در سه سطح حرف (حرف‌گرایی و واج‌آرایی)، واژه و جمله صورت می‌گیرد. در پایان می‌توان گفت حسین منزوی یکی از شاعران توانا، نوآور و خلاق در زمینه نحو است. او به نحو مطلوبی نوآوری‌ها و سنت‌های دستوری را در کنار هم قرار می‌دهد.

حسین منزوی در سطح واژگانی با توجه به باستان‌گرایی (آرکائیسم)، کاربرد لغات کهن و نو در کنار هم، کاربرد واژگان بومی و محلی، مرکب، کم کاربرد عصر حاضر دست به برجسته‌سازی‌های زیبایی زده است. در بخش ترکیبات نیز با آوردن ترکیبات نو و سنتی، ترکیب و هم‌چنین کاربرد این واژگان در کنار هم، قاعده کاهی و هنجارگریزی اشعارش را برجسته نموده است.

منابع و مأخذ

- ۱- حسن‌لی، کاووس. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث، ۱۳۸۳.
- ۲- حسین‌پور چافی، علی. جریان‌های معاصر فارسی از کودتای (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷). تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- ۳- دشتی، نصرالله. «شیوه‌های نوآوری در شعر معاصر». مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، زمستان، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۰، صص ۱۵۰-۱۵۵.
- ۴- روزبه، محمدرضا. سیر تحوّل در غزل فارسی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۸.
- ۵- ———. ادبیات معاصر ایران (شعر). تهران: روزگار، ۱۳۸۱.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، ۱۳۸۴.
- ۷- شمیسا، سیروس. نگاهی به بدیع. تهران: میترا، ۱۳۸۴.
- ۸- صفوی، کوروش. از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- ۹- کاخی، مرتضی. باغ بی‌برگی؛ یادنامه اخوان ثالث. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.
- ۱۰- کاظمی، روح‌الله. سیب نقره‌ای ماه؛ نقد غزل‌های حسین منزوی. تهران: مروارید، ۱۳۸۸.
- ۱۱- منزوی، حسین. حنجره زخمی تغزل. تهران: آفرینش، ۱۳۸۷.
- ۱۲- ———. مجموعه اشعار، به کوشش فتحی. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- ۱۳- نیرومند، کریم. سخنوران و خطاطان زنجان. زنجان: مؤسسه مطبوعاتی زعفری، ۱۳۴۷.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۵